



Regulation on Post-Graduate Degree Programs: A Critical Legal Analysis

Khawaja Jamshid Seddiqi

To cite this article: Seddiqi, Khawaja Jamshid. “Regulation on post-graduate degree programs: A critical legal analysis”, *Kardan Journal of Law*, (2021), 3 (1), 1-15.
DOI:10.31841/KJL.2021.14

To link to this article: <http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.14>



© 2021 The Author(s). This open access
Article is distributed under a Creative
Commons Attribution (CC-BY) 4.0 license



Published online: 25 December 2021



Submit your article to this journal

Regulation on Post-Graduate Degree Programs: A Critical Legal Analysis

Kardan Journal of Law
3 (1) 1–15

©2021 Kardan University
Kardan Publications
Kabul, Afghanistan

<http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2021.14>
<https://kardan.edu.af/KJL>

Khawaja Jamshid Seddiqi

Received: 20 July 21
Revised: 25 Sep 21
Accepted: 20 Nov 21
Published: 25 Dec 21

Abstract

One of the indicators of countries' development is experienced and specialized human capital. It is settled that Afghanistan requires qualified and professional cadre able to manage both government and private sector since it is neither possible nor reasonable to rely on foreign brains for a longer period of time. Based on this fact, the Law on Civil Higher Education, 2015 permits offering post-graduate degree programs in public and private institutions of higher education, however, it provides that the manner of establishing such programs and their operation shall be governed by a Regulation. Hence, the Regulation on Post-Graduate Degree Programs was adopted in 2018. This study, adopting a critical analytical method, evaluates the Regulation's substance and structure, highlighting hurdles that are posed for the private institutions of higher education. This paper finds out that the Regulation provides stronger control of the public universities in decision-making and discourages positive competition between the public and private institutions of higher education. In addition, some provisions in the Regulation are impractical for private higher education institutions. For instance, it mentions designations (such as Pohanwal), while the Ministry of Higher Education has not so far ranked faculty members serving in private institutions. Therefore, the research concludes, it is essential to modify the Regulation in order to resolve substantive and structural problems, and provide for equitable share in decision making to private institutions.

Keywords: Afghanistan, Higher Education Institutions, Post-Graduate Programs.

نقد و بررسی مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس (ماستری و دکتورا)

خواجہ جمشید صدیقی

چکیده

یکی از شاخص های توسعه کشورها، داشتن نیروی انسانی مجرب و متخصص است. مبرهن است که افغانستان نیازمند نیروی بشری مجرب و متخصص است تا سکتور دولتی و خصوصی را مدیریت نمایند زیرا تکیه بر نیروی بشری خارجی برای مدت طولانی نه ممکن است و نه معقول. با در نظر داشت این واقعیت، قانون تحصیلات عالی ملکی، تدویر برنامه های فوق لیسانس (ماستری و دکتورا) را برای مؤسسات تحصیلات عالی تجویز نموده و چگونگی تنظیم موضوعات مربوط را به مقررہ، راجع نموده است. مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس مبتنی بر حکم قانون مذکور تصویب گردیده است. این تحقیق با روش تحلیلی انتقادی مشکلات ماهوی و شکلی مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس و موانع ایجاد شده برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی را در راستای تطبیق آن ارزیابی نموده است. به نظر می رسد که در مقررہ مشکلات ماهوی و شکلی وجود داشته، در آن سهم متناسب برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در مقایسه با دولتی در مراجع تصمیم گیری در نظر گرفته نشده است تا از لحاظ عملی یکی از اهداف مقررہ تحصیلات عالی خصوصی که رقابت آزاد میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی است، تحقق یابد. علاوه بر آن، مقررہ حاوی احکامی است که برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی عملی نیست چنانچه داشتن رتبه علمی پوهنوال در چندین مورد یکی از شرایط شمرده شده در حالی که رتب علمی استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی طی مراحل نگردیده است. نتیجه این که، ضرورت تعدیل مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس وجود دارد تا مشکلات ماهوی و شکلی آن رفع گردد، بخصوص سهم متناسب برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در مراجع تصمیم گیری در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: افغانستان، مؤسسات تحصیلات عالی، فوق لیسانس

مقدمه

قانون اساسی افغانستان تعلیم را حق تمام اتباع شمرده و دولت را مکلف به تأمین رایگان آن الی درجه لیسانس نموده است¹، در روشنائی احکام قانون اساسی، قانون تحصیلات عالی ملکی زمینه فعالیت مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی را مساعد نموده و یکی از وظایف وزارت تحصیلات عالی را «فراهم آوری زمینه رشد کمی، کیفی و تحقیقات علمی در مؤسسه تحصیلات عالی دولتی و خصوصی به مقصد رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور، طبق اسناد تقنینی²» تعریف نموده است. به همین ترتیب قانون تحصیلات عالی ملکی دایر نمودن برنامه های تحصیلات عالی به سویه فوق لیسانس (ماستری و دکتورا) را تجویز نموده و مبتنی به حکم ماده ۵۷ قانون تحصیلات عالی ملکی، مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس وضع گردیده است. در این مقاله، مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و در سدد دریافت پاسخ به این پرسش اصلی است که مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس دارای کدام مشکلات شکلی و ماهوی است. پرسش های فرعی تحقیق حاضر طوری است که، آیا در تطبیق احکام مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی با چالش هایی مواجه هستند؟ زیرا یکی از ویژگی های قانون³ عملی بودن یا انجام شدنی بودن قانون است⁴. علاوه برآن، آیا مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس سهم متناسب برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در مقایسه با مؤسسات تحصیلات عالی دولتی را در تصمیم گیری ها مد نظر قرار داده است؟ به نظر می رسد که مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس دارای یک سلسله مشکلات شکلی و ماهوی بوده و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی را با چالش هایی مواجه نموده است علاوه برآن، برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی سهم برابر با مؤسسات تحصیلات عالی دولتی در مراجع تصمیم گیری در نظر گرفته نشده است. این تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که در آن مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس به عنوان سند تنظیم کننده برنامه های فوق لیسانس با روش تحلیلی انتقادی مورد بحث و مطالعه قرار گرفته که پیرامون موضوع قبلاً تحقیقی صورت نگرفته است. شایان ذکر است که نظام تحصیلات عالی کشور از نقطه نظر توسعه کمی و کیفی همواره در حالت توسعه و بهبود قرار داشته، در این

1. قانون اساسی، ماده ۴۳، فقره اول، جریده رسمی، (۸۱۸).

2. قانون تحصیلات عالی ملکی، ماده ۴، فقره سوم، جریده رسمی، (۱۱۹۵).

3. قانون به معنای عام: «قاعده حقوق است که مراجع صلاحیت دار تصویب کرده باشند» این تعریف قانون در برگیرنده تمام اسناد تقنینی به شمول قانون اساسی، قوانین عادی مقرر ها، اساسنامه ها و حتی لویایح و طرزالعمل های مصوبه های ادارات است. رجوع کنید به دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، انتشارات موسسه تحصیلات عالی ابن سینا، کابل، ۱۳۹۱، ص ۷۶

4. محمد راسخ، ویژگی های ذاتی و عرضی قانون، مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۱، ص ۳۳

راستا تصویب اسناد تقنینی، یکی از دست آوردهای وزارت تحصیلات عالی کشور است که به منظور قانونمند سازی فعالیت های مؤسسات تحصیلات عالی اعم از دولتی و خصوصی صورت گرفته است.

۲. ملاحظات ماهوی

ملاحظات ماهوی شامل موضوعاتی است که اهداف و اصل موضوعات را احتوا می نماید اما اسناد تقنینی از لحاظ ساختار هم باید از یک سلسله شکلیات لازم برخوردار باشد تا از ترتیب و نظم خاص برخوردار بوده و حین اجرا برداشت های متفاوت از آن صورت نگیرد، از اینرو نخست ملاحظات ماهوی مقرر را مورد بحث قرار می دهیم.

۲-۱. ترکیب کمیسیون برنامه های فوق لیسانس

مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس کمیسینی را تحت عنوان کمیسیون برنامه های فوق لیسانس، جهت انسجام، هماهنگی، نظارت و ارزیابی برنامه های فوق لیسانس پیش بینی نموده است، کمیسیون متذکره طبق ماده نهم مرکب از اعضای ذیل میباشد:

«1- معاونان علمی پوهنتون های دولتی مرکز که دارای برنامه های فوق لیسانس باشند به حیث اعضاء؛ 2- یک تن استاد (پوهنتون کابل دو تن استاد) واجد شرایط تدریس در برنامه های فوق لیسانس به نمایندگی از پوهنتون های دولتی مرکز به پیشنهاد شورای علمی پوهنتون ها و منظوری وزیر تحصیلات عالی به حیث اعضاء؛ 3- دو تن استاد واجد شرایط تدریس در برنامه های فوق لیسانس به نمایندگی از پوهنتون های خصوصی دارای برنامه های فوق لیسانس به پیشنهاد شورای علمی پوهنتون های مربوط از طریق انتخابات به طور متناوب برای یک دوره یک ساله و منظوری وزیر تحصیلات عالی به حیث اعضاء؛ 4- رئیس عمومی انسجام امور اکادمیک وزارت تحصیلات عالی به حیث عضو، 5- رئیس انکشاف برنامه های علمی وزارت تحصیلات عالی به حیث عضو و منشی.» هرگاه مطابق مقرر، ترکیب کمیسیون برنامه های فوق لیسانس را با در نظر داشت تعداد پوهنتون های دولتی مرکز که دارای برنامه های فوق لیسانس هستند در نظر بگیریم، چهار پوهنتون دولتی مرکز دارای برنامه فوق لیسانس عبارت اند از: پوهنتون کابل، پوهنتون علوم طبی کابل، پوهنتون پولی تخنیک کابل و پوهنتون تعلیم و تربیه⁵ میباشد که به نمایندگی از این پوهنتون ها دو تن از استادان پوهنتون کابل، سه تن از استادان سه پوهنتون مرکز (پوهنتون طبی کابل، پوهنتون پولی تخنیک و پوهنتون تعلیم و تربیه) در ترکیب کمیسیون حضور خواهند داشت. در حالی که به نمایندگی از پوهنتون های خصوصی دو تن استاد از تمام پوهنتون های خصوصی در ترکیب کمیسیون در نظر گرفته شده این در حالی است که عملاً چهارده پوهنتون

5. وزارت تحصیلات عالی افغانستان، کتلاگ پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی، ۱۳۹۹، صص ۸-۱۵

خصوصی دارای برنامه فوق لیسانس میباشند⁶. قابل ذکر است که رئیس انسجام عمومی انسجام امور اکادمیک و رئیس انکشاف برنامه های علمی وزارت تحصیلات عالی نیز عضویت کمیسیون برنامه های فوق لیسانس را دارند. نتیجه این که؛ با در نظر داشت تعداد پوهنتون های دولتی مرکز، کمیسیون مرکب از ۱۳ عضو به شکل ذیل خواهد بود: دو عضو آن رؤسای انکشاف برنامه های علمی و انسجام امور اکادمیک، ۹ عضو از پوهنتون های دولتی مرکز، ۲ عضو از تمام مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، در حالی که چهارده پوهنتون خصوصی دارای برنامه فوق لیسانس میباشند.

حالا پرسشی که مطرح می گردد این است که؛ چگونه زمینه رشد کمی و کیفی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در کنار مؤسسات تحصیلات عالی دولتی که قانون تحصیلات عالی ملکی بر آن تاکید نموده است⁷؛ مساعد گردد؟ زیرا در ترکیب کمیسیون برنامه های فوق لیسانس از لحاظ تناسب حضور نمایندگان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی متوازن و متناسب نیست⁸؛ سهمی که برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در نظر گرفته شده تاثیر قابل ملاحظه ای در تصمیم گیری های این کمیسیون نمی گذارد. این در حالی است مقرر تحصیلات عالی خصوصی بر رقابت آزاد میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی تاکید نموده و چنین صراحت دارد: «رشد و ارتقای کمی و کیفی تحصیلات عالی از طریق رقابت آزاد میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی». زمانی که در کمیسیون برنامه های فوق لیسانس به نمایندگی از تمام پوهنتون های خصوصی دارای برنامه فوق لیسانس صرف دو تن استاد حضور داشته باشد، چگونه یکی از اهداف مقرر تحصیلات عالی خصوصی که رقابت آزاد میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی است تأمین گردد؟ از جانب دیگر بر مبنای قانون اساسی «دولت، سرمایه گذارها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن را تضمین

6. مراجعه شود به برنامه های ماستری پوهنتون های خصوصی در وبسایت وزارت تحصیلات عالی

www.mohe.gov.af

7. فقره سوم، ماده چهارم قانون تحصیلات عالی ملکی یکی از وظایف وزارت تحصیلات عالی را چنین تعریف نموده است: «فراهم آوری زمینه رشد کمی، کیفی و تحقیقات علمی در مؤسسه تحصیلات عالی دولتی و خصوصی به مقصد رفع نیاز های اقتصادی و اجتماعی کشور، طبق اسناد تقنینی»

8. قانون اجراء اداري برای عمل اداري اصول عمومی ای را تعریف نموده که یکی از آنها اصل تناسب است، ماده یازدهم اصل تناسب را در ارتباط به عمل اداري در نظر گرفته که فقره چهارم ماده یازدهم چنین صراحت دارد: «رعایت تناسب میان حقوق متضاد خصوصی و عامه و منافع مشروع در عمل اداري» تصمیمات اتخاذ شده از جانب کمیسیون برنامه های فوق لیسانس عمل اداري شمرده می شود بناءً به نظر می رسد حقوق متضاد بخش خصوصی در ترکیب کمیسیون تحصیلات عالی فوق لیسانس رعایت نگردیده است. قانون اجراء اداري، ماده یازدهم، فقره چهارم، جریده رسمی (۱۲۹۸).

می نماید.⁹ با در نظر داشت نکات فوق ترکیب کمیسیون برنامه‌های فوق لیسانس در مغایرت صریح با یکی از اهداف مقرره تحصیلات عالی خصوصی قرار دارد، در ضمن با محتوای ماده دهم قانون اساسی و اصل تناسب¹⁰ که در قانون اجراءات اداری در مورد عمل اداری پیش‌بینی شده مطابقت ندارد.

۲-۲. رتبه علمی

برخورداری از رتبه علمی یکی از شرایطی است که در موارد مختلف، مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس برای استادان برنامه‌های فوق لیسانس تعیین نموده است، اینک در ارتباط به هر یک بصورت مختصر ذیلاً بحث می‌گردد¹¹:

فقره چهارم ماده هفتم ضمن بیان شرایط دیگر، یکی از شرایط ایجاد برنامه ماستری را داشتن استادان با درجه تحصیلی دکتورا یا ماستری و رتبه علمی پوهنوال تعیین نموده است و چنین صراحت دارد: «داشتن حد اقل چهار تن استاد با درجه تحصیلی دکتورا و یا ماستر با رتبه علمی حداقل پوهنوال جهت تدریس در رشته مربوط». آنچه از لحاظ عملی برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی به عنوان یک چالش بروز نموده مسئله رتب علمی استادان است که زمینه تثبیت رتب علمی و ارتقا از یک رتبه علمی به رتبه علمی بالاتر، برای استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در مقررات مربوط پیش بینی نشده و سال‌ها است که اکثراً استادان پوهنتون‌های خصوصی طبق شرایط تعیین شده در قانون تحصیلات عالی ملکی استخدام می‌گردند اما تثبیت رتب اکثریت آنها صورت نگرفته زیرا تثبیت رتب و ارتقا از یک رتبه علمی به رتبه علمی بالاتر باید توسط وزارت تحصیلات عالی صورت گیرد. این در حالی است که عملاً مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی دارای برنامه‌های فوق لیسانس میباشند اما رتب علمی استادان آنها طی مراحل نگردیده از جانب دیگر ماده سی و نهم مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس، تمام مؤسسات تحصیلات عالی را که قبل از انفاذ مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس دارای برنامه فوق لیسانس بوده اند مکلف نموده تا در خلال مدت یک سال بعد از انفاذ مقرره برنامه‌های خویش را طبق احکام آن تنظیم نمایند. در نتیجه احکام مربوط به رتبه علمی مندرج در مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس قابلیت اجرائی نیافته و به عنوان یک چالش فرا روی مؤسسات تحصیلات عالی قراردارد؛ بناءً بهتر به نظر می‌رسد تا در قسمت تثبیت رتب علمی استادان مؤسسات

9. قانون اساسی افغانستان، ماده دهم، جریده رسمی ۸۱۸

10. Principle of Proportionality.

11. در ارتباط به شرایط اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، فقره اول ماده هجدهم مقرره تحصیلات عالی خصوصی چنین حکم نموده است «اعضای کادر علمی مؤسسه به استثنای سن، واجد شرایط اعضای کادر علمی مؤسسات تحصیلات عالی دولتی مندرج قانون تحصیلات عالی ملکی می‌باشند.» بناءً استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی باید از شرایط تعیین شده در قانون تحصیلات عالی ملکی را برخوردار بوده صرف استثنائی که وجود دارد شرط سنی است که برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی این شرط استثنا شده است.

تحصیلات عالی خصوصی اجراءات لازم صورت گیرد. اما راه حل مناسبی که برای کوتاه مدت بهتر به نظر می‌رسد این است که؛ تازمانی که رتب علمی استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی توسط وزارت تحصیلات عالی تثبیت و طی مراحل نگردیده، برای استادان مؤسسات متذکره صرف داشتن تجربه تدریس شرط شمرده شود یعنی مدت تجربه تدریس برای استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی بیشتر از مدت تعیین شده در مقرر در نظر گرفته شود تا شرط داشتن رتبه علمی مانع تدویر برنامه‌های فوق لیسانس در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نگردد. قابل تذکر است که شرط رتبه علمی در ارتباط به برنامه دکتورا نیز پیش بینی شده که علاوه بر شرایط دیگر استادان باید دارای رتبه علمی پوهنمل باشند، بهتر است تا برای تدریس در برنامه دکتورا در مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز به عوض رتبه علمی داشتن تجربه تدریس بیشتر از مدت تعیین شده در مقرر در نظر گرفته شود. البته مدت تجربه تدریس را می توان بر اساس این که یک استاد در مؤسسات تحصیلات عالی دولتی بصورت عادی در طی چند سال می تواند به رتبه عملی پوهنوال یا پوهنمل نایل گردد معیار قرار گیرد. علاوه بر نکات ذکر شده، یکی از وظایف و مکلفیت‌های وزارت تحصیلات عالی «فراهم آوری زمینه های رشد کمی، کیفی و تحقیقات علمی در موسسه تحصیلات عالی دولتی و خصوصی، به مقصد رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور، طبق احکام اسناد تقنینی¹²» می‌باشد. در نتیجه راه حل پیشنهادی زمینه رشد کمی و کیفی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی را در ارتباط به ایجاد برنامه‌های فوق لیسانس مساعد ساخته و حکم فقره سوم ماده چهارم قانون تحصیلات عالی ملکی نیز رعایت می‌گردد.

قابل تذکر است که رتبه علمی در موارد دیگر نیز شرط شمرده شده که برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی با در نظر داشت عدم طی مراحل رتب علمی استادان آنها، چالش جدی به نظر می‌رسد:

- فقره دوم ماده سیزدهم یکی از شرایط عضویت در کمیته فوق لیسانس را داشتن رتبه علمی پوهنوال تعیین نموده است «سه الی پنج تن از استادان با درجه تحصیلی دکتورا یا ماستری با رتبه علمی حداقل پوهنوال به پیشنهاد شورای علمی پوهنخی مربوط و تأیید شورای علمی پوهنتون به حیث اعضاء»

- فقره دوم ماده شانزدهم یکی از شرایط استاد رهنما را داشتن رتبه علمی پوهنوال تعیین نموده است «استاد رهنما در برنامه ماستری از جمله استادان شامل برنامه فوق لیسانس یا استادان مؤسسات تحصیلات عالی با درجه تحصیلی دکتورا یا ماستری با رتبه علمی حداقل پوهنوال تعیین می‌گردد.»

12. قانون تحصیلات عالی ملکی ملکی، ماده ۴، فقره سوم، جریده رسمی، (۱۱۹۵).

۲-۳. منظوری بورد برنامه‌های فوق لیسانس

مطابق به حکم فقره دوم ماده یازدهم مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس، به منظور بررسی و نظارت از فعالیت، کیفیت و تطبیق برنامه‌های فوق لیسانس در پوهنتون بورد برنامه‌های فوق لیسانس باید ایجاد گردد، بورد برنامه‌های فوق لیسانس توسط وزیر تحصیلات عالی منظور می‌گردد. با در نظر داشت کثرت برنامه‌های فوق لیسانس و ضرورت توسعه آنها، صلاحیت منظوری بورد باید به شورای علمی پوهنتون مربوط سپرده شود زیرا هیچ ضرورت موجه وجود ندارد که اعضای بورد برنامه‌های فوق لیسانس یک پوهنتون، نخست توسط کمیسیون و بعد هم توسط وزیر تحصیلات عالی منظور گردد. این امر باعث دیوان سالاری و ضیای وقت خواهد شد، ضمناً مطابق فقره چهارم ماده دوازدهم بیشترین گزارش‌دهی بورد به شورای علمی صورت می‌گیرد، بناءً منظوری آن هم توسط شورای علمی درست به نظر می‌رسد و با اصل استقلالیت علمی و اداری پوهنتون‌ها نیز منطبق خواهد بود¹³.

۲-۴. پرداخت حق الاجرت و فیس

فقره هشتم ماده چهاردهم مقررہ، مراقبت از پرداخت حق الاجرت و فیس را از وظایف کمیته برنامه‌های فوق لیسانس تعیین نموده است «مراقبت از اخذ حق‌الشمول و حق‌الاجرت و تحویل آن به حساب واردات دولت.» در این فقره چند نکته قابل بحث است، نخست اینکه مراقبت از اخذ حق‌الشمول یک موضوع مالی و اداری است در حالی که کمیته مرکب از اعضای علمی است ثانیاً تحویل حق الاجرت و فیس به واردات دولت بصورت عام ذکر شده در حالی که پوهنتون‌های خصوصی مکلف به تحویل حق الاجرت و فیس به واردات دولت نیستند. ثالثاً، طبق حکم ماده ۲۸ مقررہ، استادان، اعضای هیئت ژوری، مسوولین و کارکنان اداری بورد، کمیته و کارکنان تخنیکی مستحق حق الزحمه شناخته شده اند، این حکم در ارتباط به مؤسسات تحصیلات عالی دولتی صادق است، اما مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی ممکن است با استادان و سایر مسوولین و کارکنان برنامه فوق لیسانس مطابق قانون کار، قرارداد کار را منعقد نمایند و ضرورت به پرداخت حق الزحمه واقع نشود. بناءً بهتر است، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی از حکم این ماده استثنا قرار گیرند.

۲-۵. عواید و مصارف برنامه فوق لیسانس

ماده ۳۰ مقررہ، در مورد عواید و مصارف چنین حکم نموده «عواید و مصارف برنامه فوق لیسانس در مطابقت با مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها، تنظیم می‌شود.» با در نظر داشت صراحت این ماده چگونگی تنظیم عواید و مصارف برنامه‌های فوق لیسانس باید در مطابقت با مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها تنظیم گردد،

13. فقره نهم ماده چهارم قانون تحصیلات یکی از وظایف وزارت تحصیلات عالی را «حمایت از استقلالیت اکادمیک، مالی و اداری موسسه تحصیلات عالی واجد شرایط» می‌داند.

اما بر اساس حکم ماده اول مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها، منظور از وضع آن جمع آوری عواید ناشی از عرضه خدمات علمی و مسلکی در پوهنتون‌های دولتی است¹⁴. از آنجا که احکام مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها صرف بالای پوهنتون‌های دولتی قابل تطبیق است، حکم ماده ۳۰ مقررہ فوق لیسانس نیز به پوهنتون‌های دولتی تعلق می‌گیرد، بنابر آن، حکم ماده ۳۰ مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس به مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی ارتباط ندارد. در نتیجه حین تعدیل مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس، مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی استثنا قرار گیرند. قابل تذکر است که قانون تحصیلات عالی ملکی، موضوعاتی را که صرف مربوط مؤسسات تحصیلات عالی دولتی بوده، مشخصاً آنها را مخاطب قرار داده است¹⁵.

۶-۲. تأدیپ

فقره اول ماده سی و دوم مقررہ فوق لیسانس موارد تأدیپ را چنین پیش بینی نموده است «وزارت تحصیلات عالی می‌تواند، پوهنتون‌های دولتی و خصوصی دارای برنامه‌های فوق لیسانس را در صورت تخلف از احکام مندرج این مقررہ حسب احوال، طور ذیل تأدیپ نماید: 1- توصیه؛ 2- اخطار کتبی؛ 3- تعلیق فعالیت برنامه فوق لیسانس برای مدت یک سال؛ 4- لغو دایمی برنامه فوق لیسانس». آنچه پیرامون تأدیپ مؤسسات تحصیلات عالی قابل بحث است این‌که مطابق ماده نهم مقررہ فوق لیسانس به منظور انسجام، هم‌آهنگی، نظارت و ارزیابی برنامه‌های فوق لیسانس، کمیسیون برنامه‌های فوق لیسانس در وزارت تحصیلات عالی در نظر گرفته شده و مطابق فقره سوم ماده پانزدهم لغو برنامه فوق لیسانس طبق طرزالعمل مربوط بعد از تأیید کمیسیون منظوری وزارت تحصیلات عالی صورت می‌گیرد اما فقره اول ماده سی و دوم راساً تأدیپ مؤسسات تحصیلات عالی دارای برنامه فوق لیسانس را به وزرات تحصیلات عالی سپرده است¹⁶، با در نظر داشت اینکه مرجع نظارت و ارزیابی کننده برنامه‌های فوق لیسانس کمیسیون فوق لیسانس است و فقره سوم ماده پانزدهم لغو برنامه فوق لیسانس را طبق طرزالعمل مربوط و پس از تأیید کمیسیون پیش‌بینی نموده است بهتر به نظر می‌رسد

14. طبق ماده اول مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها: این مقررہ به منظور تنظیم امور مربوط به جمع آوری عواید ناشی از عرضه خدمات علمی و مسلکی، جلب کمک‌های اشخاص و مصرف آن در توسعه و انکشاف پوهنتون‌های دولتی وضع گردیده است. مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها، ماده اول، جریده رسمی (۱۱۲۳) سال ۱۳۹۲

15. بطور مثال فقره سوم ماده ۶۵ قانون تحصیلات عالی ملکی چنین حکم نموده است «موسسه تحصیلات عالی دولتی می‌تواند به منظور انکشاف و پیشبرد اهداف خود، خدمات و فعالیت‌های عایداتی را عرضه و کمک‌های اشخاص حقیقی و حکمی داخلی و خارجی را جلب و از این کمک‌ها و سایر عواید خود، با رعایت احکام مقررہ استقلالیت مالی پوهنتون‌ها استفاده به عمل آورد»

16. به استثنای حالت لغو برنامه فوق لیسانس که مطابق فقره سوم ماده ۱۵، لغو برنامه را نخست کمیسیون تأیید و پس از منظوری وزارت تحصیلات عالی برنامه لغو می‌گردد.

تا تمام موارد شامل تأدیبات برنامه های فوق لیسانس، نخست در کمیسیون تأیید و سپس توسط مقام وزارت تحصیلات عالی منظور گردد.

۲-۷. جذب محصلین

جذب محصلین یکی از موضوعات مهم دیگر است که در ارتباط آن نکاتی ذیل قابل بحث است، طبق حکم ماده سی و سوم مقرر، حد اکثر تعداد جذب محصل برای برنامه ماستری ۳۰ تن تعیین شده است، در صورتی که پوهنتون ها امکانات جذب بیشتر از ۳۰ تن محصل را داشته باشند پس از ارزیابی امکانات و منظوری وزارت تحصیلات عالی می توانند ۳۰ تن محصل دیگر را نیز جذب نمایند، جذب محصلین صرف سال یکبار صورت می گیرد. محدودیت در تعداد جذب محصل ممکن است در ارتباط به پوهنتون های دولتی با در نظر داشت محدودیت های مالی و اداری ضرور به نظر برسد اما مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی واحد بودجوی مستقل اند و از لحاظ اداری در قسمت استخدام نیروی بشری با شکیلات پیچیده مواجه نیستند. محدودیت در جذب محصل مانع توسعه و ارتقای دانش بشری در کشور می گردد. از اینرو بهتر خواهد بود تا امکانات مؤسسات تحصیلات عالی دارای برنامه فوق لیسانس توسط کمیسیون فوق لیسانس ارزیابی گردد، پس از حصول اطمینان کمیسیون از امکانات موسسه تحصیلات عالی، محدودیت جذب محصل رفع گردد و یا اینکه تعداد جذب محصل به شکل قابل ملاحظه افزایش یابد.

۳. ملاحظات شکلی

مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس علاوه بر ملاحظات ماهوی دارای یک سلسله ملاحظات شکلی نیز است که در این بخش به مهمترین موارد آن پرداخته شده است. چنانچه، داشتن ارتباط از لحاظ هدف و محتوا و برخورداری از تسلسل مواد اسناد تقنینی یک امر ضروری است^{۱۷}. وضاحت نیز یکی از ویژگی های ذاتی قانون شمرده شده^{۱۸} در نتیجه، ایجاب می نماید تا کلیت قانون به گونه ای ترتیب شود که در تمام بخش های قانون اعم از تقسیم بندی مطالب به بخش ها و فصول و جابجائی احکام قانون در موارد بخصوص نظم رعایت گردد.^{۱۹}

۳-۱. موجودیت احکام مبهم

یکی از اصولی که در اسناد تقنینی رعایت آن ضروری است، اصل وضاحت است. قانون باید دارای وضاحت بوده در آن ابهام و پیچیدگی یا غموض وجود نداشته باشد. قانون برای افراد جامعه وضع می گردد و هدف این

۱۷. قانون طی مراحل اسناد تقنینی، ماده ۲۵.

۱۸. محمد راسخ، ویژگی های ذاتی و عرضی قانون، مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۱، ۲۲

۱۹. محمد اشرف رسولی، اصول، روش و فنون قانونگذاری (کابل، سعید، ۱۳۹۳) ۱۶۷

است تا نیازمندی های افراد جامعه را مرفوع سازد.²⁰ این اصل در بعضی از مواد مقررہ رعایت نگردیده است که ذیلاً به مهمترین موارد آن اشاره می گردد. مطابق جز دوم فقره اول ماده هفتم، یکی از شرایط ایجاد برنامه های فوق لیسانس داشتن امکانات مالی جهت تمویل برنامه است اما میزان امکانات مالی مشخص نشده²¹، این موضوع در رهنمود ایجاد برنامه فوق لیسانس (ماستری و دکتورا) نیز واضح پیش بینی نشده است. به نظر می رسد که شرط داشتن امکانات مالی بیشتر معطوف به مؤسسات تحصیلات عالی دولتی باشد، زیرا مؤسسات تحصیلات عالی دولتی دارای بودجه مستقل نیستند،²² از اینرو لازم است تا در مؤسسات تحصیلات عالی دولتی از مواجه نشدن به مشکلات مالی برنامه های فوق لیسانس اطمینان حاصل گردد. این شرط در ارتباط به مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی ضرور به نظر نمی رسد زیرا در صورتی که مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی امکانات مالی نداشته باشند اقدام به ایجاد برنامه های فوق لیسانس نخواهند کرد.²³ به هر صورت هرگاه شرط داشتن امکانات مالی برای مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز الزامی پنداشته شود لازم است تا میزان امکانات مالی مشخص گردد.

یکی دیگر از شرایط ایجاد برنامه های فوق لیسانس تکمیل بودن مکلفیت های درسی استادان²⁴ شمرده شده است، این شرط برای مؤسسات تحصیلات عالی دولتی ممکن است ضروری باشد، اما مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی باید در قسمت شرایط و تعداد ساعات درسی استادان، آزادی لازم را داشته باشند تا با در نظر داشت احکام قانون کار و مقررات مرتبط، استادان داخلی و خارجی را استخدام نمایند از اینرو بهتر خواهد بود تا شرط تکمیل بودن مکلفیت درسی استاد، صرف در ارتباط با مؤسسات تحصیلات عالی دولتی در نظر گرفته شود. یکی از اهداف مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس ارتقای اعتبار و جایگاه علمی پوهنتونها تعریف شده، درحالی که در ارتباط به ارتقای اعتبار و جایگاه علمی پوهنتونها هیچ نوع احکام صریح در مقررہ به نظر نمی رسد، به این معنی که برای چگونگی تحقق این هدف در مقررہ احکامی وجود ندارد از جانب دیگر اداره و مورد ارتقای کیفیت و اعتبار دهی در فصل پنجم قانون تحصیلات عالی ملکی مشخص است.

20. همان

21. در قانونگذاری باید بیشتر بر ارقام و آمار؛ تاکید صورت گیرد. رسولی، همان، ۲۱۲

22. به استثنای پوهنتون هائی که طبق مقررہ استقلالیت مالی، استقلال مالی داشته باشند.

23. این نکته از تبصره مندرج صفحه ۱۶ رهنمود ایجاد برنامه فوق لیسانس (ماستری و دکتورا) مصوب سال ۱۳۹۹

کمیسیون برنامه های فوق لیسانس نیز قابل استنباط است که چنین صراحت دارد: «پوهنتون های دولتی از موجودیت وجه مالی در بودجه سالانه پوهنتون برای ایجاد برنامه از بخش معاونیت مالی خویش طور مستند، اطمینان دهند»

24. مقررہ تحصیلات عالی فوق لیسانس، بند پنجم، جزء چهارم، فقره اول ماده هفتم. همچنان بند پنجم، جزء چهارم،

فقره دوم ماده هفتم

جز اول فقره اول ماده هفتم مقدره تحصیلات عالی فوق لیسانس چنین حکم نموده است «داشتن حداقل سه دوره فراغت به سویه تحصیلی لیسانس و داشتن نتیجه ارزیابی مؤفقاانه پروسه ارتقای کیفیت و اعتبار دهی. پوهنتون های ایکه دارای برنامه تحصیلی لیسانس نباشند از این حکم مستثنی اند» آنچه در این قسمت با قانون تحصیلات عالی ملکی مطابقت ندارد جمله اخیر جزء اول فقره اول ماده هفتم است که (پوهنتون های ایکه دارای برنامه تحصیلی لیسانس نباشند) زیرا قانون تحصیلات عالی ملکی پوهنتون را چنین تعریف نموده است: «پوهنتون موسسه تحصیلی است که حد اقل دارای شش پوهنخی²⁵ ... می باشد» از محتوای این ماده به صراحت استنباط می گردد که پوهنتون باید دارای برنامه لیسانس باشد چون یکی از شرایط پوهنتون ها داشتن یک برنامه ماستری یا بالاتر از آن را دانسته که این خود تثبیت کننده اراده قانون گذار مبنی بر موجودیت شش پوهنخی در چارچوب یک پوهنتون فقط در مقطع لیسانس می باشد، پس چگونه پوهنتون می تواند فاقد برنامه های لیسانس باشد؟ فقره سوم ماده هفتم داشتن لابراتوارهای معیاری را یکی از شریط ایجاد برنامه های فوق لیسانس شمرده است، درحالی که در تعدادی از برنامه های فوق لیسانس هیچ نیازی برای داشتن لابراتوار ملاحظه نمی گردد، هرگاه یکی از پوهنتون های دولتی یا خصوصی برنامه ماستری در حقوق بین الملل را ایجاد نماید هیچ ضرورتی برای داشتن لابراتوار وجود نخواهد بود بناءً بهتر است در این فقره برای داشتن لابراتوار در رشته های مورد نیاز تاکید گردد.

۲-۳. عدم رعایت احکام قانون طی مراحل اسناد تقنینی

به منظور تنظیم امور مربوط به طی مراحل اسناد تقنینی، قانونی تحت عنوان (قانون طی مراحل اسناد تقنینی)²⁶ نافذ است، مقدره تحصیلات عالی فوق لیسانس به عنوان یک سند تقنینی باید در مطابقت با احکام قانون طی مراحل اسناد تقنینی تدوین گردد اما برخی از موارد مقدره تحصیلات عالی فوق لیسانس با احکام قانون طی مراحل اسناد تقنینی مطابقت ندارد که ذیلاً به چند مورد آن اشاره شده است. کلمه کورس که در فقرات پنجم و ششم ماده سوم و در عنوان و متن ماده بیستم بکار گرفته شده در مغایرت با احکام قانون طی مراحل اسناد تقنینی قرار دارد²⁷ زیرا کلمه کورس (Course) کلمه انگلیسی است که یکی از معانی آن مضمون است، در حالی که کلمه مضمون نیز در عین مفهوم در فقرات ذکر شده مورد استفاده قرار گرفته است که مفهوم لازم را

25. قانون تحصیلات عالی ملکی، ماده سوم، فقره چهارم، این ماده در تعدیلات بعدی قانون ملاحظه گردد

26. قانون طی مراحل اسناد تقنینی، جریده رسمی (۱۳۱۳)

27. قانون طی مراحل اسناد تقنینی، ماده ۳۳، فقره دوم در مورد چنین صراحت دارد: «اصطلاحات زبان های خارجی در صورتی در سند تقنینی به کار می رود که معادل آن در زبان های رسمی کشور موجود نبوده و هدف مورد نظر را به نحو دقیق افاده کند»

افاده می کند و نیازی به ذکر کلمه کورس وجود ندارد. به همین ترتیب فقره‌های ماده سوم مقرر نیز به عدد در داخل قوس تنظیم نشده که در مغایرت با قانون طی مراحل اسناد تقنینی قرار داد.²⁸

۳-۳. منطبق نبودن عنوان فصل با ماده ها

عنوان فصل سوم چنین ترتیب شده است: «شرایط پذیرش در برنامه‌های فوق لیسانس» بهتر خواهد بود تا در عنوان فصل سوم کلمه محصل ایزادگردد، زیرا هدف از شرایط پذیرش، پذیرش محصل است بناءً در عنوان فصل نیز کلمه محصل ایزاد گردد تا عنوان از وضاحت لازم برخوردار گردد. از جانب دیگر فصل سوم صرف حاوی یک ماده است در حالی که یکی از موضوعات دیگر را که می توانیم در ذیل عنوان فصل سوم قرار دهیم تعداد محصلین است که در ماده سی و سوم در ذیل عنوان فصل پنجم (احکام نهائی) قرار گرفته است و از لحاظ ارتباط، موضوع ذکر شده در ذیل عنوان فصل سوم در یک ماده جداگانه قرار گرفته می‌تواند. فصل چهارم مقرر تحت عنوان «رهبری برنامه‌های فوق لیسانس» در نظر گرفته شده اما در ذیل این فصل برخی ماده‌ها قرار گرفته است که با عنوان فصل مطابقت ندارد و ایجاب می‌کند در فصل جداگانه قرار گیرند. بصورت مثال به چند مورد اشاره می‌گردد: نگارش تیزس، تکمیل کردیت، سیستم کردیت، تعقیب کورس‌ها و اخذ تاجیل، شرایط فراغت، تکمیل شرایط فراغت، حق‌الشمول، حق‌الاجرت.

۳-۴. منطبق نبودن عنوان ماده با فقره‌ها و محتوای ماده

ساختار ماده قانون، کار کرد آن را نشان می‌دهد و از چگونگی ارتباط عناصر ماده با یکدیگر شکل می‌گیرد، بعد از تشخیص عناصر، نتیجه، نوع نتیجه، و استثنائات به ساختار ماده باید توجه شود. در نوشتن اسناد حقوقی، یا برای تطبیق درست و دقیق قانون، شناخت ساختار آن بسیار با اهمیت است و سبب می‌شود با دقت بیشتر و همه جانبه بر معاملات اجتماعی و رفتارهای مردم تطبیق شود.²⁹ اما برخی از مواد مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس از نظر ساختار دارای مشکلات است که ذیلاً به چند مورد اشاره می‌گردد.

فقره چهارم ماده بیست و هفتم کارکنان خدمات ملکی برنامه‌های فوق لیسانس را مستحق اضافه کاری می‌داند در حالی که عنوان ماده حق‌الشمول و حق‌الاجرت است، فقره چهارم با عنوان ماده مطابقت ندارد. ماده چهارم مقرر تحصیلات عالی فوق لیسانس تحت عنوان مراجع تدویر برنامه‌های فوق لیسانس در نظر گرفته شده در

28. قانون طی مراحل اسناد تقنینی، در ماده ۲۶ فقره را چنین تعریف نموده است: «فقره حکم تقنینی است که در داخل ماده به عدد در بین قوس () تنظیم می‌گردد.»

29. بنیاد آسیا-افغانستان، نگارش حقوقی ۱، (کابل، بنیاد آسیا، ۱۳۹۸) ۱۷۵

حالی که عنوان این ماده محتوا را بصورت اجمالی بیان نمی‌کند³⁰، زیرا در ذیل ماده چهارم سه موضوع در نظر گرفته شده، این امر باعث می‌شود که حریم معنایی ماده قانون رعایت نشود.³¹ در حالی که در فقره اول، مرجع ذیصلاح اعطای جواز، در فقره دوم، مرجع تدویر برنامه و در فقره سوم، بررسی و نظارت از برنامه های فوق لیسانس پیش بینی شده است اما عنوان ماده ذکر شده صرف یک موضوع را یعنی مراجع تدویر برنامه های فوق لیسانس را احتوا می‌کند. عنوان باید محتوا را بصورت اجمالی بیان کند. ماده سی و پنجم تحت عنوان عدم تدویر برنامه های فوق لیسانس، در نظر گرفته شده، هدفی که در این ماده نهفته است، ممنوعیت تدویر برنامه های فوق لیسانس بدون اخذ جواز فعالیت از وزارت تحصیلات عالی است، اما عنوان ماده منطوق دقیق را احتوا نکرده به نحوی مفهوم دو پهلو دارد.³² زیرا کلمه عدم از نظر لغوی به معنی «گم کردن و از دست دادن مال، نیستی، نابودی ضد و جود³³» است. بدین ترتیب کلمه عدم در مفهوم (نبود) بکار گرفته شده است یعنی عدم با تدویر یکجا استفاده شده و معنی آن (نبود برگذاری) می‌شود که از وضاحت لازم برخوردار نبوده، بهتر است تا به عوض کلمه (عدم) کلمه (ممنوعیت) استفاده شود یعنی عنوان این ماده (ممنوعیت تدویر برنامه های فوق لیسانس) در نظر گرفته شود در این صورت محتوای ماده با عنوان ماده یکسان شده و مفهوم دقیق تر را افاده خواهد کرد.

۳-۵. عدم رعایت تسلسل

ماده سی و هفتم مقررہ، تطبیق احکام را پیش بینی نموده، اما پس از آن در ماده سی و هشتم به موضوع تحصیل همزمان اشاره شده، این مورد از لحاظ تسلسل درست به نظر نمی‌رسد زیرا تطبیق احکام از جمله موضوعاتی است که معمولاً در اخیر پیش بینی می‌گردد بناءً بهتر خواهد بود احکام مندرج ماده ۳۷ بعد از ماده ۳۸ و ۳۹ و قبل از وضع لوایح و طرز العمل ها در نظر گرفته شود. به همین ترتیب، در ارتباط وضع طرز العمل نیز احکام جداگانه پیش بینی شده است چنانچه ماده بیست سوم تحت عنوان وضع طرز العمل در نظر گرفته شده و ماده چهلهم همچنان تحت عنوان وضع لوایح و طرز العمل ها در نظر گرفته شده است. بهتر است ماده بیست سوم حذف گردد و محتوای ماده بیست سوم در ذیل ماده چهلهم علاوه گردد.

30. قانون طی مراحل اسناد تقنینی، ماده ۲۵، فقره دوم «ماده دارای عنوان مختصر می‌باشد که محتوای آنرا بصورت اجمالی بیان می‌کند»

31. حریم معنایی قانون به این معنی است که در یک ماده قانون باید یک موضوع مشخص توضیح و تسجیل گردد:

محمد اشرف رسولی، اصول، روش و فنون قانونگذاری (کابل، سعید، ۱۳۹۳) ۲۲۷

32. صفر بیگزاده، شیوه نامه نگارش قانون، (تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷) ۱۵۶

33. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲) ۸۶۰

۴. نتیجه گیری

مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس دارای ملاحظات شکلی و ماهوی است که به مهمترین موارد آن ذیلاً اشاره شده است:

مقرره، کمیونی را جهت انسجام، هم‌آهنگی، نظارت و ارزیابی برنامه‌های فوق لیسانس معین نموده است که مرکب از ۱۳ عضو می‌باشد. ترکیب کمیسیون طوری است که از میان ۱۳ عضو آن صرف دو عضو به نمایندگی از مؤسسات تحصیلات خصوصی در نظر گرفته شده، ۹ عضو دیگر این کمیسیون از چهار موسسه تحصیلات عالی مرکز و دو عضو از روسای وزارت تحصیلات عالی در نظر گرفته شده است. ترکیب کمیسیون فوق لیسانس در مغایرت صریح با یکی از اهداف مقرره تحصیلات عالی خصوصی قرار دارد که چنین حکم نموده است: «رشد و ارتقای کمی و کیفی تحصیلات عالی از طریق رقابت آزاد میان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی». در ضمن با محتوای ماده دهم قانون اساسی و اصل تناسب که در قانون اجراء اداری در مورد عمل اداری پیش‌بینی شده مطابقت ندارد. طبق احکام مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس یکی از شرایط برای استادان برنامه های فوق لیسانس داشتن رتب علمی است در حالی که از لحاظ عملی تثبیت رتب علمی استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی صورت نگرفته، عملاً مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی دارای برنامه های فوق لیسانس می‌باشند، در نتیجه احکام مربوط به داشتن رتبه علمی تحقق نیافته است. راه حلی که در مورد پیشنهاد می‌گردد این است که، الی تثبیت رتب علمی استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی، داشتن تجربه تدریس بیشتر از مدت تعیین شده در مقرره برای استادان مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی شرط شمرده شود. در مواردی، احکامی در مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس وجود دارد که صرف متعلق به مؤسسات تحصیلات عالی دولتی است مانند تحویل حق‌الشمول و حق‌الاجرت به حساب واردات دولت، همچنان تنظیم عواید و مصارف برنامه‌های فوق لیسانس مطابق به احکام مقرره استقلالی مالی پوهنتون‌ها. در حالی که منظور از وضع مقرره استقلالی مالی پوهنتون‌ها پوهنتون‌های دولتی است نه مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی. به دلیل این که موارد ذکر شده صرف متعلق به مؤسسات تحصیلات عالی دولتی است باید مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی استثنا قرار گیرند. علاوه بر مطالب فوق، موجودیت احکام مبهم و دو پهلو، عدم انطباق عنوان با محتوا و عدم رعایت احکام قانون طی مراحل اسناد تقنینی از ملاحظات شکلی وارد بر مقرره تحصیلات عالی فوق لیسانس است که حین تعدیل آن باید مدنظر قرار گیرد.

About the Author

Mr. Khawaja Jamshid Seddiqi, Assistant Professor and Dean of Faculty of Law, Kardan University, Kabul Afghanistan. <kj.seddiqi@kardan.edu.af> ORCID ID: 0000-0001-6111-1001